

اولین همایش ملی علوم انسانی در حکمت معاصر بامحوریت علامه طباطبایی

hcwconf.ir



مطالعه و بررسی نقش و اهمیت جایگاه زنان و خانواده در شیوه زندگی اسلامی در دو دهه اخیر

سالار هرمزپور^۱، رسا صفائی نمین^۲، رسول صفائی نمین^۳

^۱ کارشناسی ارشد مدیریت دولتی - مدیریت نیروی انسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد آستارا salar.hp1371@gmail.com
^۲ دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت شهری دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران Rassasafaei11@gmail.com
^۳ دانشجوی دکترا جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی dr.rasoulrassa@gmail.com

چکیده

ارزیابی کمی نقش مشارکت زنان در طرح های شهری با توجه به مدل نظری ارایه شده مرحله ظرفیت سنجی از طریق جمع آوری و تحلیل اطلاعات مربوطه صورت می پذیرد که براساس زمینه و بستر پژوهش می بایست ظرفیت های مرتبط با توانمندسازی زنان مورد ارزیابی قرار گیرد. مرحله نهادسازی نیز براساس وجود تمایلات و ظرفیت های موجود و تحت تأثیر نهادها و اجتماعات محلی است. مرحله پایش نیز که بیشتر جنبه کنترلی دارد و ضامن تداوم حیات مشارکت بوده عموماً تحت تأثیر سیاست ها و امکانات مدیریتی قرار میگیرد. مرحله بسترسازی به عنوان مهمترین مرحله مشارکت که قابل کنترل و پیشبینی توسط شهرساز است از طریق سنجش شاخص های فرعی (رفاه، دسترسی، آگاهی) مورد ارزیابی کمی قرار گرفته است. روش ارزیابی بررسی و استخراج میزان تأثیرپذیری فرآیند توسعه شهری از مشارکت زنان است. بدین منظور ارزیابی کمی از طریق سنجش میزان همسویی مؤلفه های مشارکت زنان و طرح های توسعه شهری صورت پذیرفته است. امروزه در جامعه ی ایران وضعیت زنان ارتباط نزدیکی با تحولات و پیشرفت های مدرن دارد. یکی از زمینه های تغییر در دنیای زنان، توسعه ی فضاهای شهری زنانه ای است که در شهرهای مختلف به ویژه تهران ایجاد شده است. این تحولات در قالب تغییر در فرصت های اجتماعی (بهبود فرصت های فراغتی و توانمندسازی زنان)، هنجارهای اجتماعی (مدرن شدن نقش خانگی و تغییر نگرش جنسیتی) و فضاهای اجتماعی (بازنمایی هویت جنسیتی و شکل گیری پاتوق های زنانه) قابل مطالعه است.

واژه های کلیدی

زندگی اسلامی، زنان و اسلام، زنان و خانواده، فضای اجتماعی و زنان

اولین همایش ملی علوم انسانی در حکمت معاصر بامحوریت علامه طباطبایی

hcwconf.ir



۱. مقدمه

در قانون اساسی جمهوری اسلامی به کرامت و شخصیت انسان، اعم از زن و مرد توجه جدی شده، تا آنجا که در بند ۶ اصل دوم این قانون، ایمان به کرامت و ارزش والای انسانی و آزادی توأم با مسئولیت او در برابر خداوند به عنوان یکی از پایه‌های نظام جمهوری اسلامی شمرده شده است. این توجه و اهتمام در مورد زنان، دو چندان شده و این قانون در موارد متعددی بر پاسداشت شخصیت انسانی زن و زمینه‌سازی برای رشد شخصیت او تأکید کرده است. در بخشی از مقدمه قانون اساسی، پس از معرفی خانواده به عنوان «واحد بنیادین جامعه و کانون رشد و تعالی انسان» در مورد شخصیت انسانی زن چنین آمده است: «زن در چنین برداشتی از واحد خانواده، از حالت (شیء بودن) و یا (ابزار کار بودن) در خدمت اشاعه مصرف‌زدگی و استثمار، خارج شده و ضمن بازیافتن وظیفه خطیر و پر ارج مادری در پرورش انسانهای مکتبی، پیشاهنگ، و خود هم‌رزم مردان در میدان‌های فعال حیات می‌باشد و در نتیجه، پذیرای مسئولیتی خطیرتر و در دیدگاه اسلامی برخوردار از ارزش و کرامتی والاتر خواهد بود.» [۱] در اصل بیست و یکم قانون اساسی نیز می‌خوانیم: دولت موظف است حقوق زن را در تمام جهات با رعایت موازین اسلامی تضمین نماید و امور زیر را انجام دهد: ایجاد زمینه‌های مساعد برای رشد شخصیت زن و احیای حقوق مادی و معنوی او ... حال این پرسش مطرح است که آیا سیاست‌گذاری‌ها، برنامه‌ریزی‌ها، قانون‌گذاری‌ها و اقدامات اجرایی مرتبط با زنان در دو سه دهه گذشته به گونه‌ای بوده است که کرامت و ارزش انسانی آنان را آن‌گونه که قانون اساسی جمهوری خواسته است، پاس دارد و زمینه‌های مساعد برای رشد شخصیت‌شان را فراهم کند یا خیر؟

متأسفانه باید گفت با وجود تلاش‌های زیادی که در سال‌های اخیر برای ارتقای شخصیت فردی و جایگاه اجتماعی زنان در نظام جمهوری اسلامی صورت گرفته است، هنوز زنان کشور ما به جایگاه مطلوبی که در خور آنان است دست نیافته‌اند و هویت انسانی زنان چنان‌که باید به رسمیت شناخته نشده است. برای روشن شدن این موضوع به چند عرصه از عرصه‌های مهم فرهنگی، اجتماعی که به نظر می‌رسد شخصیت و جایگاه انسانی زنان در آنها دستخوش آسیب شده است، اشاره می‌شود: [۱] ۱. در عرصه خانواده که مهم‌ترین صحنه بروز و ظهور جایگاه و موقعیت خطیر زنان است، همچنان شأن و منزلت زنان دستخوش تعصبات و جهالت‌های مردانی است که بدون هیچ بهره‌ای از اخلاق اسلامی، حقوقی را که از سوی شرع برای مدیریت و هدایت خانواده به آنها ارزانی شده است، دستاویزی برای ظلم مضاعف به زنان و تحقیر آنها قرار می‌دهند. متأسفانه اقداماتی هم که در چند سال گذشته برای دفاع از حقوق زنان در عرصه خانواده، صورت گرفته است نه تنها کمکی به اصلاح این وضع نکرده بلکه جامعه ما را با بحرانی تازه روبرو کرده و منجر به تزلزل بنیان خانواده شده است.

۲. در عرصه اجتماعی بسیاری از زنان سرپرست خانوار که حمایت‌های ناچیز دولت تکافوی مخارج سنگین آنها را نمی‌دهد، به مشاغل سخت و طاقت‌فرسا یا مشاغلی که تناسبی با شأن انسانی آنها ندارد، روی آورده‌اند و هیچ چشم‌انداز روشنی هم برای اصلاح این وضع وجود ندارد.

۳. بسیاری از دختران و زنان جوانی که محصول دستگاه‌های آموزشی و رسانه‌های تبلیغی نظام جمهوری اسلامی به شمار می‌آیند، بی‌هیچ درکی از مقام و منزلت زنانه‌شان تنها به عرضه جاذبه‌های جنسی خود برای جلب توجه مردان روی آورده‌اند و چنان غرق در مدها و آرایش‌های واراداتی شده‌اند که حتی مجالی هم برای فکر کردن به شخصیت انسانی خود پیدا نمی‌کنند.

۴. رسانه‌های دیداری و شنیداری نظام جمهوری اسلامی تاکنون از ارائه یک چهره موفق از زن مسلمان ایرانی عاجز بوده‌اند و در سریال‌ها و فیلم‌هایی که ارائه می‌دهند تنها به ارائه چهره‌های کلیشه‌ای و منفعل از زنان و دختران بزک کرده‌ای که درگیر عشق‌های مثلی و گاه زنجیره‌ای می‌شوند، بسنده کرده‌اند. این در حالی است که در سال‌های اخیر شاهد بوده‌ایم که در بسیاری از سریال‌های خارجی از زنان چهره‌هایی فعال، مثبت و با انگیزه به تصویر کشیده می‌شود که از جمله می‌توان به سریال‌هایی چون «بازگشت به خانه»، «پزشک دهکده»، «جوهری در قصر» و حتی «پرستاران» اشاره کرد.

اولین همایش ملی علوم انسانی در حکمت معاصر با محوریت علامه طباطبایی

hcwconf.ir



۵. در رسانه‌های مکتوب نیز با بازگشت موج مخرب الگوسازی هنرپیشگان، خوانندگان و تبدیل آنها به ستاره‌های محبوب نسل جوان روبرو هستیم. تا آنجا که چاپ تصاویر درشت هنرپیشگان زن سینما و تلویزیون بر روی جلد و صفحات داخلی به ابزاری برای جلب مخاطب و فروش بیشتر این مجلات تبدیل شده است. با توجه به آنچه گفته شد به نظر می‌رسد ضروری‌ترین رویکرد در همه برنامه‌ریزی‌ها، سیاست‌گذاری‌ها، قانون‌گذاری‌ها و طرح‌های اجرایی مرتبط با زنان باید توجه به صیانت و پاسداری از هویت انسانی زنان مسلمان کشورمان و تلاش در جهت ارتقای جایگاه و شخصیت آنان در خانواده و اجتماع باشد. به صراحت باید گفت تا زمانی که به این رویکرد توجه نشود جامعه ما در حل بسیاری از آسیب‌های و ناهنجاری‌های اجتماعی از جمله معضل بدحجابی، زنان خیابانی، فروپاشی خانواده‌ها و بسیاری مفاسد اجتماعی به توفیق چندانی دست نخواهد یافت.

۲. مبانی نظری تحقیق

انقلاب اسلامی و پیشروی انقلابی زنان

انقلاب اسلامی انقلاب بزرگی برای زنان شهری ایران بود و بیش از تمام دوره‌های گذشته فضاهای شهری را به شکل‌های مختلف به روی زنان گشود. با وقوع انقلاب اسلامی و شکل‌گیری راهپیمایی‌های بزرگ شهری برای اعتراض به رژیم پهلوی، زمینه برای مشارکت زنان در فضاها و خیابان‌ها گسترش بیشتری یافت و زنان مذهبی و سنتی نیز توانستند تجربه تازه‌ای از خیابان در شهر را شکل دهند. این تجربه با پیروزی انقلاب محدود نشد و بعد از پیروزی انقلاب نیز حکومت خیابان‌ها را به عنوان فضای سیاسی که زنان می‌توانند در آن ایفای نقش کنند پذیرفت. راهپیمایی‌های سیاسی رسمی مانند راهپیمایی روز ۲۲ بهمن، نماز جمعه و آیین‌های مذهبی مانند مراسم عاشورا موقعیت‌هایی هستند که نه تنها حکومت آنها را برای حضور زنان مجاز میدانست، بلکه زنان را برای حضور بیشتر در خیابان‌ها تشویق می‌کرد. گسترش فضاهای مذهبی مانند امامزاده‌ها، مساجد و حسینیه‌ها و تحول این فضاها پس از انقلاب اسلامی متناسب با نیازها و علایق امروزی زنان شهری است و زنان می‌توانند هم با اهداف مذهبی و هم برای تأمین نیازهای فراغتی خود از این نوع مراکز با احساس امنیت استفاده کنند. [۴]

اهمیت جایگاه زن

آنچه مشخص است اینکه نقش و جایگاه زن موضوعی است که همواره مورد بحث و مناقشه بوده و در این رابطه، آراء و نظریات بسیاری مطرح شده‌اند؛ نظراتی که گاهی در تضاد و تناقضی مشخص، با یکدیگر قرار می‌گیرند. زن دارای حق و حقوقی است که به منزله آن خود را مجاب به کار در اجتماع می‌داند. اسلام برخلاف دیگر ادیان حقوق بسیاری را برای زنان قائل شده است اما برخی از صاحب‌نظران این حوزه تساوی حقوق را برای هر دو زن و مرد می‌دانند. شرط اصلی برای سعادت و نیک‌بختی زن و مرد حرکت کردن در مسیر صحیح الهی تا رسیدن به اهداف خود است. در این بین زنان علاوه بر مسئولیت اجتماعی به تربیت نسل نیز می‌پردازند. یعنی دارای دو مسئولیت الهی هستند. یکی در قبال خود و شناخت آن و دیگری تربیت نسل آینده. اگر یک زن در راه شناخت حقوق خود مستحکم باشد و بتواند رسالتی را که بر دوش خود دارد تا سر حد ممکن به طور صحیح انجام دهد به طبع پنجره‌ای رو به سعادت برای خود می‌گشاید. در جامعه امروزی زن به عنوان تکمیل‌کننده شخصیت اخلاقی فرد بار سنگینی را بر دوش دارد. او با ایمان و تقوای خود می‌تواند مکتبی بسازد که هر کسی لیاقت حضور در این مکتب الهی را پیدا نکند. تربیت نسل مهم‌ترین نقش زنان است. [۲] جامعه در این مسیر حساس باید پشتیبان و حمایت‌کننده زنان در عرصه اجتماع باشد و حقوقی مناسب را در مقایسه تکالیف سنگین‌شان واگذار کند و در این صورت زن هم به مسئولیت اجتماعی فارغ از اشتغالش می‌رسد و هم به مسئولیت خانوادگی و چه خوب می‌شود اگر دولت‌ها حقوقی برای زنان خانواده دار در نظر بگیرند تا آنان بدون دغدغه معاش و رسیدن پول همسر به هزینه‌های خانواده، به درستی ایفای نقش کنند. مسئولیت‌پذیری زنان در عرصه‌های مختلف اجتماعی نمونه بارز کسانی است که جایگاهی بس والا دارند و در راه رسیدن به مقام از هر لغزشی گریزانند. در موقعی که اصلاح جامعه به اصلاح فرد وابسته است اصلاح و تغییر یک فرزند نیز بی

اولین همایش ملی علوم انسانی در حکمت معاصر با محوریت علامه طباطبایی

hcwconf.ir



تأثیر از خانواده به ویژه زن در زندگی نیست. زن موجودی توانا است که می تواند در حیطه ظهورش مردانی با ایمان و با تقوا را در دامان خود پرورش دهد. این اراده قوی اوست که موجب عبور از میان راه های سخت و پر تلاطم می شود. خداوند هیچ گاه یک زن را بدون اهدافش خلق نکرده و به تبع در آفرینش خود هدفی داشته است. زن مهم ترین رکن هر خانواده است. زندگی بدون رکن اصلی صدمات جبران ناپذیری را به دنبال خواهد داشت. زن زیر بنایی ترین پایه های اخلاقی را در یک جامعه رقم می زند و با استفاده از پایگاه اجتماعی مختلف نقش های گوناگونی را عهده دار می شود که در نهایت منجر به ترویج عدالت خواهد شد. حضور یک زن در تمام لحظات زندگی و از ابتدای خلقت تاکنون مانوس رفتار نیک مردان شده است. صحنه های اجتماعی مملو از زنان با توانمندی هایی است که پا به میدان گذاشته اند و هر یک نقش سازنده ای را به عهده داشتند. اسلام کار کردن زنان در سطح جامعه را مجاز و همیاری آن ها را در زندگی مشترک ضروری می داند اما در این میان حد و حدودی را برای یک بانو در نظر گرفته است. طبق قوانین زنان ملزم به رعایت یک سری عرف و فرهنگ هستند [۳]

زن مسلمان نسبت به قوانین کشور خود مسئول است. همچنین زنان جامعه باید با در نظر گرفتن مسئولیتی که در قبال خانواده خود دارند به اشتغال بپردازند تا امکان بروز هر گونه مشکلی را در بطن خانواده به صفر برسانند. بر اساس خصلت زنانه باید حقوقی در دایره مسئولیت های آن ها در نظر گرفته شود. البته رعایت حقوق در بین زن و مرد با یک سری اختلاف رو به رو است. عدم انتخاب زنان به عنوان رهبر، بحث بر سر قاضی نشدن یک زن و مباحثی دیگر همچون دیه زن و مرد، گواهی دادن زنان در برخی از موضوعات در دادگاه که برای هر یک قوانینی در نظر گرفته شده و برخی به خاطر جنسیت لطیف و احساسی بودن زن را جایز به این انتخاب نمی دانند. بنابراین در یک نگاه کلی می توان مشاهده کرد که در برخی موارد تفاوت هایی در قبال حقوق اجتماعی زنان در برابر مردان وجود دارد. [۱] شاید در اصطلاح به راحتی بر زبان جاری شود اما از لحاظ کاری تنها یک شعار به شمار می رود و حقوقی را به نفع زنان جامعه عوض نمی کند. زن و مرد اگر چه هر دو آفریده خدا هستند اما تفاوت ها و تناقض هایی با هم دارند. شاید همین نیز بهترین دلیل برای پذیرش مسئولیت اجتماعی زنان در اسلام است. برای دقایقی چشمانت را ببند و نگاهی به درونت بینداز. هنگامی که رؤیای خود را دنبال می کنی، ممکن است دیگران تصور کنند که تو رنجور و ناتوانی اما آنچه دیگران فکر می کنند مهم نیست و در عرصه های اصلی قدرت فرهنگی ات که خداوند آن را به تو عرضه داشته، درست و در راه الهی قدم بردار. بانو تنها چیزی که حقیقت دارد احساس تو به عنوان یک زن نسبت به خودت است. هر آنچه که فارغ از تعاریف غلط رسانه های شرق و غرب هستی تو را بهترین خواهد کرد. [۲]

الگوی اسلامی زنان

درباره سیده‌ی زنان عالم، زنان همه‌ی عوالم و همه‌ی دوران ها، سخن کسی مثل این حقیر نه فقط نارسا و ناقص است، بلکه زبان ما در بیان بخشی از آنها هم الکن است. غیر از مقامات معنوی و ملکوتی و الهی - که غیر از خود معصومین (علیهم‌السلام) کسی نمیتواند آن مقامات را درک کند، چه برسد به اینکه توصیف بکند- از لحاظ معیارهای ظاهری و عقلانی هم سیده‌ی زنان عالم صدیقه‌ی کبری (سلام‌الله‌علیها) دارای اندازه‌ها و ابعاد غیر قابل تصور برای ما است. خب میگوییم این بزرگوار از ولایت دفاع کرد، جان خودش را از دست داد، با فصاحت و بلاغت سخن گفت، و مانند اینها؛ اما اینها [فقط] به زبان گفته میشود، آن موقعیت را ما نمیتوانیم اصلاً تصور بکنیم. [۵]

اگر موقعیت مدینه‌ی بعد از رحلت پیغمبر و وضعی که پیش آمد، برای ما روشن بشود و درست تصور کنیم مسئله را، آن وقت میفهمیم فاطمه‌ی زهرا چه حرکت عظیمی را انجام داده است. شرایط بسیار دشوار و غیر قابل توضیح حتی برای افکار خواص، پیش می‌آید. از همه‌ی اصحاب پیغمبر، [فقط] ده نفر، دوازده نفر در مسجد حاضر شدند بلند شوند از امیرالمؤمنین و از حق آن بزرگوار دفاع کنند. این همه اصحاب، این همه بزرگان، این همه تالیان قرآن، این همه مجاهدان بدر و حنین، نه‌اینکه همه‌شان عناد داشتند؛ نه، مطلب به آن وضوحی که حتی خواص بتوانند آن را درست بفهمند، واضح نبود. کسی مثل عمار میخواست، کسی مثل ابی‌ذر میخواست، کسی مثل زبیر اول کار میخواست؛ اینها بودند که پای منبر بلند شدند و از حق امیرالمؤمنین

اولین همایش ملی علوم انسانی در حکمت معاصر با محوریت علامه طباطبایی

hcwconf.ir



دفاع کردند؛ ده دوازده نفر که در تاریخ اسمهایشان ثبت است. زبیر هم البته جزو همینها بود؛ این را به یاد داشته باشید. شرایط این جوری است؛ آن وقت در این شرایط، دختر پیغمبر می‌آید در مسجد و آن خطبه‌ی غراء را، آن بیان عجیب را، ارائه میکند و اداء میکند و حقایق را بیان میکند. یا آن خطبه‌ای که ایشان خطاب به زنان مدینه در بستر بیماری بیان کرد، که اینها ثبت شده و هم‌اکنون موجود است. اینها ابعاد معنوی نیست، اینها همین ابعاد قابل فهم ما است. با همین نگاه معمولی عقلایی میشود اینها را فهمید، اما این قدر با عظمت است که قابل اندازه‌گیری نیست؛ یعنی قابل مقایسه‌ی با هیچ فداکاری دیگری نیست. مثل این است که مثلاً فرض بفرمایید بگویند کهکشانها طول و عرضشان چند متر است؟ بله، قابل اندازه‌گیری است؛ متر و سانتیمترش را هم میشود معین کرد؛ اما چه کسی میتواند؟ چه کسی میفهمد؟ چه کسی قادر است؟ اینها جنبه‌ی الهی و معنوی و ملکوتی و عرشی نیست؛ جنبه‌ی فرشی دارد، اما این قدر با عظمت است که انسانهای معمولی نمیتوانند؛ ما میگوییم، روضه‌اش را هم میخوانیم، دل‌مان هم میسوزد، گریه هم میکنیم، اما آنچه را اتفاق افتاد، نمیتوانیم درست تصور بکنیم که چقدر با عظمت است این حرکت فاطمه‌ی زهرا (سلام‌الله‌علیها).

فاطمه‌ی زهرا (سلام‌الله‌علیها) در نقش یک رهبر واقعی [است]؛ همان‌طور که امام بزرگوار فرمودند که اگر فاطمه‌ی زهرا مرد بود، پیغمبر میشد. [این] خیلی حرف عجیبی است، خیلی حرف بزرگی است و جز از زبان کسی مثل امام بزرگوار که هم عالم بود، هم فقیه بود، هم عارف بود، انسان این حرف را نمیتواند بشنود؛ اما ایشان گفته است این حرف را. [فاطمه‌ی زهرا] این است؛ یعنی یک رهبر به تمام معنا، مثل یک پیغمبر، مثل یک هدایتگر عموم بشر؛ در این حد و در این اندازه زهرای اطهر، دختر جوان، ظاهر میشود؛ این زن اسلام است. [۶]

خب ما مرتب تمجید کنیم، تعریف کنیم، بله، فایده‌اش این است که ذکر مناقب این بزرگواران دل انسان را روشن میکند، اعتقاد انسان، عشق انسان، محبت انسان را افزایش میدهد؛ اینها خوب است لکن حقایق گوناگون دیگری هم ورای اینها وجود دارد. زن در منطق اسلام این است. حالا یک عده آدم جاهل و نادان پیدا بشوند که درباره‌ی نگاه اسلام به زن خدشه کنند و حرفهای ناقص و معیوب و پُراشکال غربی‌ها را به رخ انسان بکشند، این چقدر انحراف و چقدر خطا است. فاطمه‌ی زهرا (سلام‌الله‌علیها) یک زن اسلامی است، زن در بالاترین طراز زن اسلامی، یعنی در حدّ یک رهبر، اما همین زنی که از لحاظ فضایل و مناقب و حدّ وجودی میتواند پیغمبر باشد، همین زن مادری میکند، همسری میکند، خانه‌داری میکند؛ ببینید اینها را باید فهمید. این فریفتگان غافل -انسان چه بگوید؟- حرفهای پوچ غربی‌ها، این قدر خانه‌داری را تحقیر نکنند. معنای خانه‌داری زن تربیت انسان است، معنایش تولید والاترین و بالاترین محصول و متاع عالم وجود است؛ یعنی بشر. خانه‌داری یعنی این، ما در روز ولادت فاطمه‌ی زهرا (سلام‌الله‌علیها) جا دارد که حدّ زن مسلمان را درست تشخیص بدهیم. امروز را روز زن و روز مادر نام‌گذاری کرده‌اند؛ خیلی خیلی خوب است؛ میشد گفت روز رهبر، اشکالی نداشت؛ میشد گفت روز والاترین انسان؛ اما امروز نیاز جامعه‌ی ما به این است که بدانند مادری یعنی چه؟ زن خانه بودن یعنی چه؟ کدبانو بودن یعنی چه؟ فاطمه‌ی زهرا با آن شأن و با آن رتبه و با آن مقام و با آن عظمت، یک خانم خانه‌دار است؛ این تحقیر او نیست؛ او که با آن عظمت قابل تحقیر نیست، مگر این عظمت را میشود کوچک شمرد؟ این عظمت به جای خود محفوظ است، اما یکی از شئون و یکی از مشاغل همین عظمت عبارت است از همسر بودن یا مادر بودن و خانه‌داری کردن؛ با این چشم به این مفاهیم نگاه کنیم. [۷] یک عده‌ای به‌عنوان دفاع از حقوق زن حرفهایی میزنند که نه فقط احترام به زن نیست [بلکه] تضعیف زن است؛ داخلی‌های خودمان را میگوییم؛ و آلاً در فرهنگ غربی اروپایی که این کارها به احتمال زیاد و به احتمال نزدیک به یقین، توطئه‌ی صهیونیست‌ها است که اصلاً میخواهند جامعه‌ی بشری را به هم بزنند و به هم بریزند؛ زن را به‌صورت یک متاع مایه‌ی التذاذ مرد قرار بدهند؛ این که توطئه‌ی آنها است، آنها را کاری نداریم، مسئله‌ی آنها مسئله‌ی دیگری است، اما در محیط اسلامی ما -چه در داخل کشور ما، چه در بعضی محیط‌های اسلامی دیگر- برای اینکه از زن حمایت بکنند، یک چیزهایی را، یک وظایفی را، توقعاتی را برای زن مطرح میکنند که این تحقیر زن است، این کوچک کردن زن است. [مثلاً] میگویند چرا

اولین همایش ملی علوم انسانی در حکمت معاصر با محوریت علامه طباطبایی

hcwconf.ir



اجازه نمیدهید زن در بیرون از منزل کار کند؛ اولاً چه کسی اجازه نمیدهد؟ چه اشکال دارد؟ ثانیاً کار کردن در بیرون منزل، یعنی فرض کنید ماشین‌نویسی فلان اداره، یک شأن است برای زن که ما برای او یقه بدرانیم؟ معنای عدالت این است؟ معنای عدالت این است که آنچه را خدای متعال در گُمون ذات هر موجودی قرار داده، آن را بشناسیم، قدر بدانیم و آن را پرورش بدهیم؛ عدالت این است. [۴]

خدای متعال مرد را و زن را از جهاتی مثل هم قرار داده است؛ از لحاظ عروج به مقامات معنوی با هم تفاوتی ندارند، نمونه‌اش فاطمه‌ی زهرا (سلام‌الله‌علیها)؛ از لحاظ قدرت رهبری با هم تفاوتی ندارند، نمونه‌اش فاطمه‌ی زهرا (سلام‌الله‌علیها)؛ از لحاظ توانایی هدایت بشر تفاوتی ندارند، نمونه‌اش فاطمه‌ی زهرا (سلام‌الله‌علیها)؛ اما از لحاظ وظایف اداره‌ی زندگی تفاوت دارند، باز نمونه‌اش فاطمه‌ی زهرا (سلام‌الله‌علیها). اینهایی که از حقوق زن میخواهند دفاع کنند، به قول معروف شیپور را از سر گشادش میزنند و نمیفهمند چه بگویند و از چه چیز زن دفاع کنند، میگویند چرا زن مدیریت [نکنند]؛ مگر مدیریتها یک افتخار است برای یک انسان که دنبال این باشد که چرا مدیریتها [مخصوص مرد است]؟ اسمش را هم میگذارند عدالت جنسیتی؛ این عدالت است؟ آن کسانی که در دنیا برابری جنسیتی را مطرح میکردند و دنبال آن بودند، امروز این‌قدر بدبختی و فساد از این ناحیه گریبان‌گیرشان شده که خودشان پشیمانند؛ البته خیلی‌هایشان صریحاً اقرار نمیکنند، خیلی‌هایشان هم با این فرهنگ بزرگ شدند، نمیفهمند چه اتفاقی دارد می‌افتد؛ اما اندیشمندان‌شان چرا، اندیشمندان‌شان میگویند، میفهمند، اظهار نگرانی میکنند. خدا کند این کسانی که در داخل اسم عدالت جنسیتی می‌آورند، مرادشان این چیزی که به‌عنوان برابری جنسیتی مطرح شده، نباشد. [۸]

حضور زنان در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی اسلام

اسلام در مقابل جاهلیتی که به زن ظلم می‌کرد، ایستادگی کرد؛ هم در میدان معنویت و فکر و ارزشهای انسانی، هم در میدان حضور سیاسی و هم از همه بالاتر در عرصه‌ی خانواده. زن و مرد، ناگزیر اجتماع کوچکی به نام خانواده دارند که اگر در جامعه‌ای ارزشگذاری درست صورت نگیرد، اولین نقطه‌ای که به زن ستم می‌شود، داخل خانواده است. در هر سه عرصه، اسلام ارزشگذاری کرده است.

در زمینه‌ی مسائل معنوی، زنان جزو پیشگامان حرکت معنوی انسان به سوی پیشرفته‌ها هستند. در قرآن وقتی می‌خواهد برای انسانهای مؤمن مثال بزند، می‌فرماید: «و ضرب الله مثلا للذین امنوا امرأة فرعون»؛ (۱) از یک زن مثال می‌زند. آن جایی که بحث ایمان و اسلام و صبر و صدق و مجاهدت در راه به دست آوردن ارزشهای انسانی و اسلامی و معنوی است، می‌فرماید: «ان المسلمین والسلمات و المؤمنین و المؤمنات و القانتین و القانتات و الصادقین و الصادقات و الصابرين و الصابرات»؛ (۲) در این آیه ده عنوان برای ارزشهای معنوی ذکر می‌شود؛ اسلام، ایمان، قنوت، صدق، خشوع و دیگر چیزها. زن و مرد در این میدان، دوش به دوش حرکت می‌کنند و پیش می‌روند؛ هر دو را ذکر می‌کند. این بت‌مردگرایی را که در جاهلیتها همیشه به وسیله‌ی مردان و حتی به وسیله‌ی زنان پرستیده می‌شد، اسلام در این آیات می‌شکند. در میدان مسائل سیاسی و اجتماعی، بیعت زن را یک امر لازم و یک مسأله‌ی زنده معرفی می‌کند. شما ملاحظه کنید که در دنیای غرب و همین کشورهای اروپایی که این همه مدعی دفاع از حقوق زنان هستند - که تقریباً همه‌اش هم دروغ است - تا دهه‌های اول این قرن که تمام شد، زنان نه فقط حق رأی نداشتند، نه فقط حق گفتن و انتخاب کردن نداشتند، حق مالکیت هم نداشتند. یعنی زن مالک اموال موروثی خودش هم نبود؛ اموال او در اختیار شوهر بود! در اسلام بیعت زن، مالکیت زن، حضور زن در این عرصه‌های اساسی سیاسی و اجتماعی، تثبیت شده است: «اذا جائك المؤمنات یبايعنک علی ان لا یشرکن بالله»؛ (۳) زنها می‌آمدند با پیغمبر بیعت می‌کردند. پیغمبر اسلام نفرمود که مردها بیایند بیعت کنند و به تبع آنها، هرچه که آنها دادند، هرچه که آنها پذیرفتند، زنها هم مجبور باشند قبول کنند؛ نه. گفتند زنها هم بیعت می‌کنند؛ آنها هم در قبول این حکومت، در قبول این

اولین همایش ملی علوم انسانی در حکمت معاصر با محوریت علامه طباطبایی

hcwconf.ir



نظم اجتماعی و سیاسی شرکت می‌کنند. غریبه‌ها هزار و سیصد سال در این زمینه از اسلام عقبند و این ادعاها را می‌کنند! در زمینه‌ی مالکیت نیز همین‌طور؛ و در زمینه‌های دیگری که مربوط به مسائل اجتماعی و سیاسی است.

ایمان زنان در اسلام

دنیا فاسد غرب خواستند بروز زن را، شخصیت زن را در روشهای غلط و انحرافی که همراه با تحقیر جنس زن است، به زور به ذهن دنیا فرو کنند: زن برای اینکه شخصیت خودش را نشان بدهد، بایستی برای مردان چشم‌نواز باشد. این شد شخصیت برای یک زن؟! بایستی حجاب و عفاف را کنار بگذارد، جلوه‌گری کند تا مردها خوششان بیاید. این تعظیم زن است یا تحقیر زن؟! این غرب مست دیوانه‌ی از همه جا بی‌خبر، تحت تأثیر دستهای صهیونیستی، این را به عنوان تجلیل از زن علم کرد؛ یک عده هم باور کردند. عظمت زن به این نیست که بتواند چشم مردها را، هوس هوسرانان را به خودش جلب کند؛ این افتخاری برای یک زن نیست؛ این تجلیل زن نیست؛ این تحقیر زن است. عظمت زن آن است که بتواند حجب و حیا و عفاف زنانه را که خدا در جبلت زن ودیعه نهاده است، حفظ کند؛ این را بیامیزد با عزت مؤمنانه؛ این را بیامیزد با احساس تکلیف و وظیفه؛ آن لطافت را در جای خود به کار ببرد، آن تیزی و بُرندگی ایمان را هم در جای خود به کار ببرد. این ترکیب ظریف فقط مال زنهاست؛ این آمیزه‌ی ظریف لطافت و بُرندگی، مخصوص زنهاست؛ این امتیازی است که خدای متعال به زن داده است؛ لذا در قرآن به عنوان نمونه‌ی ایمان - نه نمونه‌ی ایمان زنان، نمونه‌ی ایمان همه‌ی بشر؛ زن و مرد - دو زن را مثال میزند: «و ضرب الله مثلا للذین امنوا امرأت فرعون» (۱) و «مریم ابنت عمران» (۲) یکی زن فرعون است، دومی هم حضرت مریم است. اینها اشاره‌ها و نشانه‌هایی است که منطق اسلام را نشان میدهد. [۹،۴]

مقام زنان در اسلام و خانواده اسلامی

حضور زن در اسلام هیچ مشکلی را بوجود نمی‌آورد. او از همان مقامی برخوردار است که توسط دین او یعنی اسلام به او اعطا شده است. موضع قرآن و مسلمانان صدر اسلام گواه این حقیقت است که وجود زن به اندازه مرد در زندگی حیاتی است و او نه در مرتبه‌ای پایین‌تر از مرد قرار دارد و نه آنکه از یک جهت فرودست محسوب می‌شود. اگر اثر فرهنگهای خارجی و تأثیرات بیگانه نبود، هرگز چنین سوآلی در میان مسلمانان مطرح نمی‌شد. مساوی بودن مقام زن و مرد برای همه مسلم بود. چنین چیزی کاملاً قابل انتظار و مطابق با واقعیت بود و هیچکس اصلاً آن را به عنوان یک مسئله در نظر نمی‌گرفت. به منظور درک آنچه که اسلام برای زن در نظر گرفته است نیازی به آن نیست که از بدبختی‌ای که او در دوران پیش از اسلام و امروزه در دنیای متجدد گرفتار آن است، اظهار تأسف کنیم. اسلام به زنان حقوق و امتیازاتی را داده است که او تحت هیچ دین و یا نظام قانونی دیگری از آنها برخوردار نبوده است. این نکته از طریق مطالعه این موضوع به عنوان یک کل و به صورت تطبیقی، به جای بررسی ناقص آن درک می‌شود. حقوق و وظایف یک زن مساوی یک مرد است اما الزاماً مشابه آنها نیست. مساوات و مشابهت دو مفهوم کاملاً متفاوت هستند. این تفاوت قابل درک است چرا که زن و مرد مشابه نیستند ولی مساوی خلق شده‌اند. با در نظر داشتن چنین تمایزی، مشکلی ایجاد نمی‌شود. این غیر ممکن است که بتوان حتی دو مرد یا دو زن همانند یکدیگر یافت. [۱۰]

تمایز میان برابری و همانندی دارای اهمیت فوق‌العاده است. برابری، مطلوب و واقعاً عادلانه است، در حالیکه همانندی چنین نیست. مردم همانند یکدیگر آفریده نشده‌اند ولی برابر خلق شده‌اند. با در نظر داشتن چنین تمایزی، جایی برای تصور این که زن پست‌تر از مرد است باقی نمی‌ماند. هیچ زمینه‌ای برای اینکه تصور کنیم که زن به دلیل آنکه حقوق مشابه مرد ندارد، دارای اهمیتی کمتر از مرد است، وجود ندارد. اگر مقام او درست مشابه مقام مرد بود، آنگاه زن نسخه دیگری از مرد می‌شد، که چنین نیست. این حقیقت که اسلام به زن حقوق مساوی و نه مشابه مرد می‌دهد نشان می‌دهد که اسلام زن را به درستی در نظر گرفته، او را به رسمیت شناخته و برای او شخصیت مستقلی قائل است.

اولین همایش ملی علوم انسانی در حکمت معاصر بامحوریت علامه طباطبایی

hcwconf.ir



این طنین اسلام نیست که زن را محصول شیطان و بذری می‌پندارد. قرآن نیز مرد را ارباب مسلط زن که در مقام او زن هیچ چاره‌ای ندارد جز آنکه تسلیم سلطه‌اش باشد قرار نداده است. این اسلام نیست که این سؤال را مطرح کرده است که آیا زن اساساً دارای روح است یا خیر؟

در تاریخ اسلام هرگز هیچ مسلمانی در مورد مقام زن یا دارا بودن روح و یا سایر کیفیتهای انسانی او تردید نکرده است. او دارای کیفیتهای روحانی نیز شناخته می‌شود. بر خلاف عقاید رایج، اسلام تنها حوا را برای ارتکاب نخستین گناه سرزنش نمی‌کند. قرآن این نکته را کاملاً روشن کرده است که هم آدم و هم حوا وسوسه شدند، هر دو مرتکب گناه شدند، و پس از توبه، بخشش خداوند به هر دوی آنها تعلق گرفت و سپس خداوند هر دوی آنها را پوشانید. در حقیقت اینطور به نظر می‌رسد که در قرآن آدم بیشتر برای نخستین گناه مورد سرزنش قرار می‌گیرد. اما اسلام چنین تبعیض یا ظنی را موجه نمی‌داند چرا که آدم و حوا هر دو اشتباه کردند و اگر حوا باید سرزنش شود، آدم هم به همان اندازه و بلکه بیشتر باید مورد سرزنش قرار بگیرد. مقام زن در اسلام، مقامی منحصر به فرد است، مقامی نوین، چیزی که مشابهی برای آن وجود ندارد. به هر نظام دیگری که می‌نگریم، به دنیای شرق کمونیست و یا به ملل دموکراتیک، درمی‌یابیم که زنان در آنجا واقعاً خشونت‌ناپذیرند. مقام او در آنجا چیزی نیست که مورد غبطه واقع شود. [۱۱] زن مجبور است برای زنده ماندن به سختی کار کند و گاهی حتی کار مشابه مردان را انجام داده اما حقوقی کمتر دریافت می‌کند. او از آزادی‌ای برخوردار است که در برخی موارد مشابه آزادی‌گرایی می‌شود. برای رسیدن به آنچه که امروز از آن برخوردار است، زنان در طول دهه‌ها و قرن‌ها به سختی مبارزه کرده‌اند، برای به دست آوردن حق یادگیری و آزادی کار کردن و کسب درآمد او مجبور بوده است که از خودگذشتگی‌های مشقت‌باری را تحمل کند و از بسیاری از حقوق طبیعی خود چشم‌پوشی کند. برای رسیدن به جایگاه خود به عنوان یک موجود انسانی دارای روح، او بهای سنگینی پرداخته است. اما علیرغم همه این فداکاریهای سنگین، در نظامهای اجتماعی غربی او هنوز نتوانسته است جایگاهی مساوی برداشته باشد. او هنوز نتوانسته است آنچه را که اسلام با فرمان الهی برای زن مسلمان در نظر گرفته است بدست آورد. حقوق زنان در دنیای جدید، داوطلبانه و یا از سر ترحم نسبت به جنس مؤنث، به آنها اعطا نشده است. زن متجدد با زور به موقعیت فعلی خود رسید، نه از طریق فرایندهای طبیعی یا توافق متقابل یا تعلیمات الهی. او مجبور بود که به زور راه خود را بگشاید و شرایط مختلف در این راه به کمک او آمد. کمبود نیروی انسانی در طول جنگها، فشار نیازهای اقتصادی و ضروریات توسعه صنعتی، زنان را مجبور ساخت که از خانه‌های خود بیرون آمده کار کرده و برای بدست آوردن قوت خود مبارزه کنند تا مساوی مرد بنظر برسد و در مسابقه حیات در کنار مرد بدود. او به دلیل شرایط روز مجبور بود و به جای آن او خود را وادار ساخت و جایگاه جدید خود را به دست آورد. اینکه آیا تمام زنان از اینکه شرایط به نفع آنان بود خوشنود بودند یا نه و اینکه آیا آنان از نتیجه این جریانات راضی و خوشحال هستند یا نه، موضوع دیگری است. اما این حقیقت همچنان باقی است که هر حقوقی که زن متجدد از آن برخوردار است کمتر از حقوق زنان مسلمان است. [۱۲]

آنچه که اسلام برای زن در نظر گرفته است، چیزی است که با طبیعت او هماهنگی دارد، به او امنیت کامل می‌بخشد و از او در برابر شرایط نامساعد و دشواریهای زندگی محافظت می‌کند. نیازی به آن نیست که جایگاه زن متجدد و خطراتی را که او برای بدست آوردن در آمد و یا استقرار خود با آن مواجه است با جزئیات مورد بررسی قرار دهیم. حتی نیازی به آن نیست که بدبختیها و عقب‌افتادگی‌هایی را که حاصل به اصطلاح حقوق زنان است شرح دهیم. بر سر آن هم نیستیم که موقعیت بسیاری از زندگیهای غمبار را که درست به دلیل همین حقوق و آزادیهایی که زن متجدد از آن برخوردار است، به شکست کشیده می‌شوند، مورد بررسی قرار دهیم. بسیاری از زنان امروزه از حق آزادی استفاده می‌کنند تا مستقلاً از خانه بیرون رفته، کار کنند و در آمدی داشته باشند و تظاهر کنند که با مردان برابرند، اما متأسفانه همه اینها به قیمت خانواده‌هایشان تمام می‌شود. این مسئله بسیار واضح و شناخته‌شده است. آنچه که شناخته‌شده نیست، مقام زن در اسلام است. در بخشهای بعدی کوشش شده است که موضع اسلام در مورد زنان را مورد بررسی قرار دهیم: [۲؛۱۳]

اولین همایش ملی علوم انسانی در حکمت معاصر بامحوریت علامه طباطبایی

hcwconf.ir



۱. زن در اسلام به عنوان شریک مساوی و کامل مرد در تولید نسل بشر به رسمیت شناخته می‌شود. مرد، پدر و زن، مادر است و هر دو برای زندگی ضروری و لازم هستند. نقش زن کمتر از مرد حیاتی نیست. با این شراکت او در هر جنبه‌ای دارای سهم مساوی است. او دارای حقوق مساوی است، مسؤلیتهای برابری را بر عهده می‌گیرد و در درون او همانقدر توانایی و انسانیت است که در شریک او. در رابطه با این اشتراک برابر در تولید نسل انسان خداوند می‌فرماید:

ای مردم، ما همه شما را نخست از مرد و زنی آفریدیم و آنگاه شعبه‌های بسیار و قبایل مختلف گردانیدیم تا یکدیگر را بشناسید...

۲. زن در انجام مسؤلیت‌های شخصی و جمعی و همچنین دریافت پاداش برای اعمال نیکش با مرد برابر است. او به عنوان یک شخصیت مستقل، دارای کیفیتهای انسانی و قابل تمایلات معنوی شناخته شده است. طبیعت انسانی او نه پست‌تر و نه منحرف‌تر از مرد است. هر دو اعضای یکدیگرند. خداوند می‌فرماید:

پس خدای آنها دعایشان را مستجاب کرد (و فرمود): عمل هیچکس را، از مرد و زن بی‌مزد نگذارم. شما از یکدیگرید...

۳. زن در دنبال کردن آموزش و یافتن دانش با مرد برابر است. هنگامی که اسلام طلب علم را بر مسلمانان واجب نمود، هیچ تفاوتی میان زن و مرد قائل نشد. در حدود چهارده قرن پیش، محمد(ص) اعلام کرد که طلب علم بر هر مسلمانی از زن و مرد واجب است. چنین اعلامی بسیار آشکار و روشن است و در طول تاریخ توسط مسلمانان به اجرا گذاشته شده است.

۴. زن دارای حق آزادی بیان درست به اندازه مرد است. آرای درست او مورد توجه قرار می‌گیرد و نمی‌تواند تنها به خاطر اینکه به جنس مؤنث تعلق دارد کنار گذاشته شود. از قرآن و تاریخ گزارش شده است که زنان نه تنها عقاید خود را آزادانه بیان می‌کردند بلکه با پیامبر و یا سایر رهبران مسلمان بحث کرده و یا در مباحثات جدی شرکت می‌نمودند. بعلاوه گاه اتفاق می‌افتاد که زنان مسلمان نظر خود را در مورد موضوعات قانونی مربوط به عموم مطرح می‌کردند و با خلیفه مخالفت می‌نمودند و سپس خلیفه استدلال درست این زنان را می‌پذیرفت. یک مورد خاص از چنین مواردی در زمان خلافت عمر بن خطاب اتفاق افتاد.

۵. شواهد تاریخی نشان می‌دهد که زنان در زندگی جمعی مسلمانان صدر اسلام، بخصوص در مواقع اضطراری شرکت داشتند. زنان، ارتش اسلام را در جنگها همراهی می‌کردند تا از زخمیها پرستاری کرده، مایحتاج را تأمین کنند، به مجاهدان خدمت کنند و غیره. آنها را در پشت میله‌های آهنی حبس نبودند و یا موجوداتی بی‌ارزش و فاقد روح در نظر گرفته نمی‌شدند.

۶. اسلام به زن حقوق مساوی در عقد قرارداد، معاملات، کسب درآمد و مالکیت مستقل اعطا می‌کند. زندگی او، مایملکش و آبرویش به همان اندازه مرد مورد احترام است. اگر زن مرتکب خلافی شود، در یک مورد یکسان مجازات او بیشتر یا کمتر از یک مرد نیست. اگر فریب داده شود یا مجروح شود، خسارات لازم را درست به اندازه مردی در همان موقعیت دریافت می‌کند.

۷. در اسلام تنها به بیان آماري حقوق زن بسنده نشده است بلکه تمام تلاش در جهت حفظ حقوق زنان است. اسلام هرگز افرادی که متمایل به تعصب بر علیه زنان و یا تبعیض میان زن و مرد هستند را نمی‌پذیرد. قرآن بارها و بارها کسانی را که معتقد بودند زنان پست‌تر از مردان هستند مورد سرزنش قرار می‌دهد.

۸. جدای از به رسمیت شناختن زن به عنوان موجود انسانی مستقلی که وجودش بطور مساوی برای بقای بشریت ضروری است، اسلام به او سهمی از ارث داده است. پیش از اسلام، نه تنها به زن سهمی از ارث تعلق نمی‌گرفت بلکه خود زن به عنوان مایملکی در نظر گرفته می‌شد که توسط مردان به ارث برده می‌شد. اسلام از آن مایملک قابل به ارث رسیدن، یک وارث ساخت و کیفیتهای انسانی موجود در زن را به رسمیت شناخت. خواه او همسر یا مادر، یا دختر و یا خواهر باشد، سهمی از مایملک خویشاوند متوفی دریافت می‌کند که بستگی به میزان نزدیکی او به فرد متوفی (نسبت او با فرد متوفی) و تعداد وارث دارد. این سهم متعلق به او بوده و هیچکس نمی‌تواند آن را از وی سلب کند و یا او را از ارث محروم کند. حتی اگر فرد متوفی با وصیت خود به سایر خویشاوندان، خواسته باشد زن را به نفع دیگری یا به هر دلیل دیگری از ارث محروم کند، شارع به او

اولین همایش ملی علوم انسانی در حکمت معاصر بامحوریت علامه طباطبایی

hcwconf.ir



چنین اجازه‌ای را نمی‌دهد. هر صاحب مالی مجاز است که در مورد یک سوم از مایملک خود هر وصیتی را بکند، به این ترتیب او نباید بر حقوق افراد در میراثش تأثیری بگذارد و در این مورد مسئله برابری و مشابهت کاملاً قابل به کار بستن است. در اصل، هم زن و هم مرد به طور مساوی حق دارند که از مایملک فرد متوفی ارث ببرند، ولی سهمی که هر یک دریافت می‌کنند ممکن است متفاوت باشد. در بعضی از موارد، مرد دو سهم و زن تنها یک سهم دریافت می‌کند.

۳. روش تحقیق

پژوهش حاضر از نوع توصیفی و اسنادی بوده و به روش کتابخانه‌ای و با استفاده از کتاب‌ها، مقالات و پایگاه‌های معتبر علمی و پژوهشی داده‌های آن فراهم شده است.

۴. پیشینه تحقیق

پزشکی و کاظمی ۱۳۸۴؛ دامنه تفاوت‌های نگرشی متفکران اسلامی در جهان معاصر و در نحوه به‌کارگیری آموزه‌های اسلامی و چالش‌های به وجود آمده در موضوعات مختلف، به مسایل زنان نیز کشیده شده است. در نوشتار پیشین «صورتبندی مطالعات زنان در جهان اسلام» روشن گردید که این مطالعات تحت دو رهیافت اصول‌گرایی و دگراندیشی ملاحظه شده است. اصول‌گرایان در نگاه به مسایل زنان دارای رویکردی احتیاط‌آمیز نسبت به تحولات تجدد غربی بوده؛ در حالی که دگراندیشان با تأثیرپذیری از این تحولات، به ویژه تحولات مدرنیته و فمینیسم، به مسایل زنان می‌نگرند. در نوشتار حاضر نظرگاه دگراندیشان طی دو رویکرد تجددگرایی و معرفت‌شناسی مورد بررسی قرار می‌گیرد. تجدد‌گرایان اسلامی از یکسو با نقد دیدگاه سنتی و از سوی دیگر با جذب آموزه‌های تجدد غربی به تبیین مواضع خود در قبال مسایل زنان می‌پردازند. معرفت‌شناسان اسلامی نیز با تأثیر از تحولات معرفت‌شناختی اخیر و با ادعای تاریخ‌مندی و تاریخ‌مداری نصوص دینی درصدد ارایه قرائت‌های جدید در آموزه‌های اسلامی خود هستند. [۱۴]

موسوی و همکاران ۱۳۹۵؛ در طول تاریخ، برای همه انسان‌ها این سوال مطرح بوده است که هدف زندگی چیست و انسان برای چه زندگی می‌کند و در واقع، هدف انسان از زندگی و در زندگی چه باید باشد. آفریدگار این نظام هستی، جهان و انسان را به چه هدفی آفرید. هدف خلقت جهان و انسان چیست. باید توجه داشت، منظور از سوال یاد شده این نیست که بدانیم غایت این آفرینش چیست، بلکه منظور بررسی هدف و کمال انسان می‌باشد. به دیگر سخن، ماهیت انسان چیست، تا بررسی گردد، سبک زندگی شایسته آدمی در این جهان، چه می‌باشد. یکی از ابعاد مهم سبک زندگی چه در اسلام و چه در سایر ادیان بررسی نقش زن به عنوان همسر و مادر می‌باشد که در سبک زندگی اسلامی در همه جوانب مدنظر می‌باشد. در این پژوهش که از نوع تحقیقات توصیفی-تحلیلی است تلاش است با بررسی سبک زندگی اسلامی، جایگاه زن در این سبک با توجه به ابعاد خانوادگی، اجتماعی، تربیتی، سیاسی مورد تبیین قرار گیرند. در پایان نیز پس از تجزیه و تحلیل کیفی اطلاعات بدین نتیجه رسیدیم که زن در سبک زندگی اسلامی علاوه بر وظایق همسری، نقش مهمی در تربیت اجتماعی، دینی، سیاسی کودکان و همچنین حضور در صحنه‌های مختلف اجتماعی را ایفا می‌کند. بنابراین در سبک زندگی اسلامی، زن یک مولفه اثرگذار و فعال است و برخلاف جاهلیت موجودی بی‌اعتبار نمی‌باشد. [۱۵]

محمدی مزرعه شاهی و جعفری نیسیانی ۱۳۹۳؛ بدون تردید زن دارای نقش اساسی در خانواده می‌باشد. زن در محیط خانواده دومین عرصه‌ی رشد و بهره‌وری زندگی را طی می‌کند و چنین نیست که او اسباب کمال دیگری شود، بلکه در همه‌ی مزایای زندگی سهیم است، چه به عنوان همسر و چه به عنوان مادر. نمی‌توان نقش همسری زن را برابر مرد دانست ولی حق طلاق و سرپرستی رایکسره به مردان سپرد، چنان که نمی‌توان مقام مادر را تا عرش الهی بالا برد ولی وی را از حق حضانت و ارتباط با فرزند محروم ساخت. خانواده در اسلام سالار ندارد، مرد سالاری، زن سالاری یا کودک سالاری همه انحراف

اولین همایش ملی علوم انسانی در حکمت معاصر با محوریت علامه طباطبایی

hcwconf.ir



از مسیر طبیعی و فطری خانواده است. بلکه هر یک از اعضای خانواده حقوق و وظایفی دارد که باید ایفا شود و به هریک از وظایف خود متعهد و پایبند باشد. در خانواده مسلمان مدیر هست، اما سالار و مولا نیست، زیرا دیگران برده و رعیت نیستند. مدیر نیز بر حسب لیاقت و صلاحیت، وظیفه‌ی مدیریت را بر عهده می‌گیرد و حاکم مستبد و هوس ران نیست. در این مقاله پس از بررسی نقش زن و خانواده در جامعه، به بررسی شکل‌گیری سبک زندگی ایرانی اسلامی پرداخته می‌شود. [۱۶]

یهقوبی و صدر ۱۳۹۳؛ تاکنون تحقق زیادی درباره وضعیت زنان در دوران جاهلیت و زنان مسلمان در ادوار مختلف تاریخ پس از اسلام به صورت تحقیقات کتابخانه‌ای پژوهش‌های تاریخی با استفاده از کتب معتبر تاریخی و ب مراجعه به قرآن و سنت و احادیث انجام شده است. که جایگاه زن مسلمان و همچنین بهبود وضعیت زن مسلمان نسبت به زن دوران جاهلی را نشان می‌دهد پژوهش پیش رو برای مشخص کردن جایگاه زن مسلمان با توجه به کارها و مقالات انجام شده قبلی جهت تبیین سبک زندگی اسلام‌پسند خصوصاً زنان به جایگاه زن در ابعاد مختلف فردی اجتماعی اقتصادی و سیاسی از نظر اسلام پرداخت است به‌طور کلی نتایج نشان می‌دهد که در اسلام جایگاه انسانی زن با مرد برابر است و تمامی واجباتی که برای مرد وجود دارد در مورد زن هم وجود دارد اما تفاوت‌هایی در مسوولیت‌هایی که اسلام بر عهده هر یک از جنس زن و مرد با توجه به ساختار فیزیولوژیکی آنها گذاشته وجود دارد از دیدگاه اجتماعی زن با رعایت عفاف و حجاب منعی برای حضور در مجامع اجتماعی و فعالیت به شکل مفید ندارد دو در این زمینه نیز با مرد برابر است اگرچه در بعضی زمینه‌ها اسلام مسوولیت‌هایی را بر عهده مرد گذاشته که زن را از آن‌ها معارف کرد هاست در زمینه اقتصادی زنان مالک اموار خود می‌باشند و می‌توانند با رعایت عفاف و حجاب به کارهای مختلف برای منافع اقتصادی دست بزنند از جهت سیاسی نیز با توجه به شیوه عمل بانوان صدر اسلام زنان می‌توانند در بالاترین جایگاه‌های سیاسی قرار گیرند و به فعالیت سیاسی بپردازند به غیر از موارد خاصی که با توجه به مبانی اسلامی زنان نمی‌توانند آن جایگاه را اختیار کنند. [۱۷]

مسعودی نیا و همکاران ۱۳۹۴؛ فرهنگ یک ملت، شکل‌دهنده پیکره آن ملت و تعیین و تنظیم‌کننده ارزش‌ها، باورها، هنجارها و رفتارهای مردمان آن است. در رابطه با طلاق و عوامل پدیدآورنده آن نیز، عوامل فرهنگی به شکل مستقل یا زمینه‌ساز سایر عوامل مسبب طلاق، در افزایش یا کاهش میزان آن بسیار حائز اهمیت است. در این راستا، بررسی کیفی "تجارب مردان و زنان طلاق‌گرفته، از عوامل فرهنگی زمینه‌ساز طلاق" به عنوان گام مهمی در شناخت و پیشگیری از طلاق در کشور، هدف اصلی این پژوهش است. این پژوهش به صورت کیفی، از نوع پدیدارشناسی انجام گرفت. مشارکت‌کنندگان در این پژوهش ۱۶ نفر از مردان و زنان طلاق‌گرفته شهر اصفهان بودند که با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند از نوع گلوله برفی انتخاب شدند و اطلاعات، از طریق مصاحبه عمیق جمع‌آوری و به روش استیویک-کولایزی-کن تجزیه و تحلیل شد. تعداد ۴۵۰ کد استخراج گردید و با شناسایی وجوه اشتراک کدها، تعداد آنها به ۵۲ عدد و سپس به ۱۶ عدد کاهش یافت. سپس دسته‌بندی مفاهیم استخراج شده از آنها در چهار سطح تا رسیدن به نتایج شامل چهار مضمون ادامه یافت. براساس مفاهیم به دست‌آمده؛ عوامل فرهنگی زمینه‌ساز طلاق شامل چهار زیرمجموعه: الف- "عدم پایبندی به ارزش‌های مذهبی و اخلاقی"؛ ب- "عدم پایبندی به ارزش‌های اجتماعی"؛ ج- "ناهنجاری‌های فرد و خانواده" و د- "تفاوت در خرده فرهنگ‌هاست". یافته‌های پژوهش نشان داد که در کدبندی الف: کم‌رنگ شدن ارزش‌های اخلاقی- دینی و عدم پایبندی به آنها در ارتباط با جنس مخالف و در قسمت ب: افزایش توقعات، انحرافات و نارضایتی جنسی، تغییر در نقش‌های جنسیتی، تأثیر منفی رسانه‌ها و وجود باورهای نادرست در فرد، همچنین در قسمت ج: فقدان آمادگی و مهارت در فرد و خانواده برای انتخاب و زندگی مشترک، فقدان مهارت جنسی، عدم توانایی برای حل مشکل و تعارض در زوجین، فرهنگ تحمیل در انتخاب همسر، قدرت طلبی و سلطه‌گری در خانواده و فرهنگ اقتصادی نادرست و در نهایت، در کدبندی د: تفاوت در خرده فرهنگ‌ها و عدم کفویت زوجین در زمینه‌های مختلف، در بروز اختلاف زناشویی و طلاق آنها مؤثر بودند. یافته‌ها همچنین بیانگر آن بود که فرهنگ حاکم بر جدایی، روند طلاق را از مسیر صحیح و مطلوب خود خارج نموده، ضمن وارد کردن آسیب روحی،

اولین همایش ملی علوم انسانی در حکمت معاصر با محوریت علامه طباطبایی

hcwconf.ir



شخصیتی و جسمی بر زوجین، آن را به واقعهای خصمانه، دامنهدار و برگشتناپذیر مبدل ساخته است. [۱۸]

۵. نتیجه گیری

از زمان آشنایی جوامع اسلامی با تمدن و فرهنگ مغرب زمین، واکنش جوامع اسلامی نسبت به این امر به پیدایش دیدگاه‌های مختلفی در حوزه اندیشه اسلامی منجر شده است. برخی از مسلمانان با نادیده انگاشتن مواجهه غرب، همان شیوه زندگی پیش از آشنایی با این تمدن را ادامه دادند. این رویکرد در یک‌صدوپنجاه ساله اخیر جهان اسلام، به دیدگاه سنتی معروف شد. دیدگاه مزبور با نادیده‌انگاشتن تحولات پیش‌آمده، خواهان تداوم همان سبک زندگی مبتنی بر آداب و رسوم چندین ساله‌ی جوامع اسلامی است. اما دیگر مسلمانان در برابر این تحول یا واکنش منفی از خود نشان دادند یا این‌که با پذیرش آن درصدد یافتن سبک زندگی در شرایط جدید شدند. واکنش‌های منفی نسبت به نفوذ فرهنگ غرب به سه شکل عمومی خود را نشان داد. نخستین شکل مقاومت در برابر این نفوذ و پناه بردن به گذشته پرافتخار تمدن اسلامی و تلاش جهت بازسازی الگوی ایده‌آل گذشته برای دوران حاضر بود. این دیدگاه در تلاش برای ساختن ایدئولوژی اسلامی از سنت گذشته بود و در تمایز آن از دیدگاه پیشین، دیدگاه سنت‌گرا نامیده شد. دیدگاه‌های موافق با دستاوردهای تمدنی غرب، در دو دیدگاه عمده خلاصه می‌شود. دیدگاه تجددگرای اسلامی درصدد تلفیق تعالیم فمینیستی یک‌صد و پنجاه ساله اخیر غرب با دیدگاه اسلامی است و برحسب تمایل به رهیافتی خاص، تنوعات گوناگونی می‌پذیرد. این رویکرد از سویی به نقد دیدگاه‌های سنتی و اصول‌گرا پرداخته و از سوی دیگر رهیافت‌های تجددگرای عرفی را نمی‌پذیرد. آن‌چه که قائلین مکتب تجددگرای اسلامی را در باب مسایل زنان در یک دسته قرار می‌دهد، روش یکسان آن‌ها در بازگشت به بازخوانی نصوص دینی و فهم آن‌ها در سطح عقل بشری در زمان خودشان و تطبیق تعالیم اسلامی بر اجتماعات اسلامی در مرحله توسعه کنونی‌شان است. به عبارت کوتاه‌تر کوشش برای جمع میان دین و دنیا، میان نص دینی و قانون علمی براساس شرایط زمان و مکان و معرفت بشری معاصر و این‌که در این راه تا چه حد به خطا رفته‌اند، بحثی دیگر است. دومین دیدگاه اسلامی که به تحولات روی داده با نظر مثبت می‌نگرد، دیدگاه نسبتاً متأخر معرفت‌گرا است که از اوایل دهه هشتاد میلادی آشکارا خود را نشان داد. این دیدگاه از طریق سازوکارهای معرفت‌شناسانه و روش‌شناسانه درصدد تجدید سنت اسلامی است. چنان‌که قبلاً نیز اشاره شد، دیدگاه معرفت‌شناختی متأثر از آموزه‌های فمینیسم و پست مدرنیسم بوده و به انگاره تاریخمداری و تاریخمندی مسایل زنان در جهان اسلام و تفاوت تجربه این جوامع با جوامع غربی معتقد است.

منابع

- [۱] صالحی، زینت، ۱۳۹۸، مهمترین مساله امروز زنان چیست؟ دیدگاه کارشناسان مسائل زنان، مجله حوراء، آسیب‌شناسی مسائل زنان، شماره ۲۵.
- [۲] فاضلی، نعمت‌الله، ۱۳۹۶، زنانه شدن شهر با تاکید بر فضاهای شهر تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ دوم.
- [۳] مولایی، محمد مهدی، لطفی، آرزو، ۱۳۹۸، نقش زنان در شکل‌گیری فضاهای شهری، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال یازدهم، شماره ۴۲.
- [۴] افروز، غلامعلی، ۱۳۸۱، مبانی روانشناختی ازدواج در بستر و ارزش‌های اسلام، انتشارات بعثت، تهران.
- [۵] انصاف پور، غلامرضا، ۱۳۸۳، حقوق زن و مقام آن از آغاز تا اسلام، انتشارات آفتاب، تهران.
- [۶] خطیبی، حسین، ساجدی، ابوالفضل، ۱۳۹۲، مروری بر شاخص‌های سبک زندگی اسلامی، مجله معرفت، شماره ۱۸۵.
- [۷] نوری همدانی، آیت‌الله حسین، ۱۳۸۴، جایگاه بانوان در اسلام، انتشارات مهدی موعود (عج)، چاپ چهارم، قم.

اولین همایش ملی علوم انسانی در حکمت معاصر با محوریت علامه طباطبایی

hcwconf.ir



- [۸] هادوی، اصغر، ۱۳۹۱، آغاز سبک زندگی اسلامی از خراسان شمالی، ماهنامه پاسدار اسلام، شماره ۴۳.
- [۹] یعقوبی، احمد ابن ابی، ۱۳۷۴، تاریخ، ترجمه: محمدابراهیم آیتی، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ هفتم، جلد ۱، تهران.
- [۱۰] ستوده، هدایت الله، ۱۳۸۹، خانواده و خویشاوندی در گذر زمان، فصلنامه پژوهش اجتماعی، سال سوم، شماره ۹.
- [۱۱] مهربانی، وحید، ۱۳۹۳، مقدمه ای بر اقتصاد خانواده: مروری بر پیشرفت نظری و مطالعات تجربی، گل آذین، تهران.
- [۱۲] کاویانی، محمد، ۱۳۹۱، سبک زندگی اسلامی و ابزار سنجش آن، انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تهران.
- [۱۳] نیازی، محسن و کارکنان نصر آبادی، محمد، ۱۳۹۲، بررسی رابطه بین دینداری و سبک زندگی شهروندان، مطالعه موردی: شهروندان شهرستان کاشان در سال ۱۳۹۰، فصلنامه برنامه ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، شماره ۱۶.
- [۱۴] پزشکی، محمد، کاظمی، نفیسه، ۱۳۸۴، صورتبندی مطالعات زنان در جهان اسلام ۲، مطالعات راهبردی زنان، شماره ۳۰.
- [۱۵] موسوی، زهرا، پاک سرشت، محمد، نعمت آباد، شکوفه، خواب جاوید، حسنه، ۱۳۹۵، نگاهی به جایگاه زن و خانواده در سبک زندگی اسلامی، کنگره بین المللی فرهنگ و اندیشه دینی، موسسه سفیران فرهنگی مبین، دوره ۲.
- [۱۶] محمدی مزرعه شاهی، مجتبی، جعفری نیسیانی، احسان، ۱۳۹۳، نقش زن و خانواده در جامعه و شکل گیری سبک زندگی ایرانی اسلامی، کنگره بین المللی فرهنگ و اندیشه دینی.
- [۱۷] بیهقوبی، حسین، صدر، محمدمهراد، ۱۳۹۳، جایگاه زن در اسلام و سبک زندگی اسلامی، همایش ملی سبک زندگی اسلامی و جایگاه آن در عصر جهانی شدن.
- [۱۸] مسعودی نیا، زهرا، بانکی پورفرد، امیرحسین، قلی زاده، آذر، ۱۳۹۴، مطالعه کیفی تجارت مردان و زنان طلاق گرفته از عوامل فرهنگی زمینه ساز طلاق، نشریه جامعه شناسی کاربردی، دوره ۲۶، شماره ۱.